

بازتاب سربازگیری و نظام سربازگیری در میان اقشار مختلف

فاطمه هاشمی^۱

هرکشوری در طول تاریخ همواره با خطرات و تهاجمات خارجی و آشوب‌های داخلی روبرو شده است که همین دفاع از موجودیت کشور را واجب و ضروری می‌سازد. ایران نیز در یک منطقه مهم و استراتژیک قرار داشته و در تیررس دشمنان و بیگانگان بوده است. در داخل کشور نیز با توجه به وجود حکومت‌های پادشاهی، مدعیان مختلفی در داخل و خارج از دربار وجود داشتند که هرازگاهی در دسرساز بودند. بنابراین خاندان‌های حاکم از قدیم‌الایام سیستم‌های دفاعی متنوعی را در کشور تعبیه و اجرا می‌نمودند. اصلی‌ترین عضو این سیستم‌ها افراد جنگجو با ابزار و ادوات خاص جنگی بود که سپاه یا همان گروه نظامی را که بعدها ارتش نامیده شد، تشکیل می‌دادند؛ برای نمونه می‌توان به گزارش گزنفون از سپاه عصر کوروش هخامنشی توجه کرد که گفته است: «مردان جوان از ۲۵ سالگی در اختیار زمامداران شهرها قرار می‌گرفتند... آن عده‌ای که به جنگ می‌رفتند زره بر تن، سپر در دست چپ، خنجر یا شمشیر در دست راست آماده نبرد می‌شدند... مردها از ۵۰ سالگی به بعد دیگر در جنگ‌های خارج از سرزمین خود شرکت نمی‌کردند.»^۲

جنگ‌جویان یا همان سربازان جنگی به دودسته ثابت و موقتی تقسیم می‌شدند. سپاهیان ثابت، همیشه آماده به خدمت بودند ولی سپاهیان موقت آن‌هایی بودند که فقط به هنگام ضرورت گرد هم می‌آمدند. چنان‌که پادشاهان هخامنشی، اشکانی و ساسانی همه وقت نظامیان جنگ‌جوی ملتزم رکاب خود را در اختیار داشتند. علاوه بر آن در مراکز ساتراپ نشین هم حکام ولایات نیروهایی داشتند که هر زمان جنگی پیش

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی.

۲. معطوفی، اسداله، تاریخ چهار هزار ساله ارتش ایران از تمدن ایلام تا ۱۳۲۰ خورشیدی، ۱۳۸۲، ص ۶۲.

می‌آمد از همان سربازان ثابت خود و تعدادی از مردان جنگ‌جوی روستاهای قلمرو خود و یا ایلات اطراف را که دارای اسلحه و تجهیزات بودند به رکاب شاه می‌فرستادند. گروه دوم فقط تا پایان جنگ در خدمت حاکم بودند و با پایان یافتن درگیری به خانه‌های خود باز می‌گشتند. نحوه سربازگیری به روش ملوک‌الطوایفی بود، یعنی هر ولایتی می‌بایست عده‌ای سوار با اسب در اختیار حاکم قرار می‌داد. هرگاه این سوارهای سرباز فرار می‌کردند یکی از بستگان‌شان را به جای آن‌ها به خدمت سربازی می‌بردند. اگر ولایتی به علتی از فرستادن سرباز خودداری می‌کرد می‌بایست بر اساس صورت دیوانی، به ازای هر سرباز، مبلغی وجه نقد به عنوان پیش‌کش به خزانه شاه یا ولیعهد ارسال می‌نمود تا با آن پول از محل دیگری سرباز فراهم آورند. این روش سربازگیری تا پایان زمان ناصرالدین شاه ادامه داشت.^۱

هنگامی که امیر کبیر صدر اعظم اصلاح طلب ناصرالدین شاه روی کار آمد، نظام سربازگیری خاصی را ابداع کرد که اصطلاحاً «بنیچه» نامیده می‌شد. این نظام مشتمل بر ۳ اصل بود؛ یکم، سرشماری که می‌بایست از روی تناسب تعداد رعیت ساکن در دهات سرباز گرفته می‌شد؛ دوم، بنه‌بندی که از روی تعداد گاو و رعایا تعداد سرباز هم مشخص می‌شد و سومین اصل بنیچه مالیاتی بود که ملاک سربازگیری قرار می‌گرفت. یعنی هر خانواده‌ای که معاف از مالیات بود، از دادن سرباز هم معاف می‌شد و به عکس هر خانواده‌ای که مالیات می‌پرداخت متناسب با میزان مالیات می‌بایست سرباز هم در اختیار دولت قرار می‌داد. خانواده سربازانی که از این طریق به خدمت اعزام می‌شدند حقوقی به نام خانواری دریافت می‌کردند. خانواری از طریق خانواده‌های هر قریه اعم از جنس یا پول به طرز مساوی اخذ و به خانواده سربازان داده می‌شد. گرچه ابداع کننده این روش یعنی امیرکبیر قبل از اجرای آن به قتل رسید و نتوانست آن را به مرحله اجرا بگذارد اما با گذشت چندین سال نظام سربازگیری یادگار او اجرایی شد و تقریباً با همین شکل و شمایل تا اواخر دوره قاجار ادامه یافت. بعد از کودتای ۳ حوت ۱۲۹۹ رضاخان سردار سپه به فرماندهی دیویزیون قزاق برگزیده شد و با رسیدن به مقام وزارت جنگ در صدد برآمد تا تغییراتی در نظام سربازگیری کشور ایجاد کند. او عقیده داشت که برای پایان دادن به نابسامانی‌ها، برچیدن نظام خان‌خانی و سرکوب کردن کشتان باید ارتشی نیرومند به وجود آورد. بنابراین تمام تلاش خود را در این راه به کار برد تا به این مهم دست یابد. رضاخان سعی کرد قسمتی از قرارداد بی‌سرانجام ۱۹۱۹ م. بین ایران و انگلیس را دنبال کند. یک فصل این قرارداد راجع به مسائل نظامی بود که طبق ماده سوم آن انگلستان می‌بایست به خرج دولت ایران، صاحب منصبان و مهمات سیستم جدیدی را که ایران برای تشکیل قشون متحدالشکل جهت حفظ نظم در داخل کشور و سرحدات نیاز داشت تهیه کند. بدین ترتیب کمیسیونی مرکب از مستشاران انگلیسی و ایرانی برای این منظور تشکیل شد. این هیأت ۱۴ نفره به نام «کمیسیون مطالعات نظام» مسئولیت تصمیم‌گیری در این خصوص را بر عهده گرفت. گرچه این طرح با لغو قرارداد مزبور بی‌نتیجه ماند ولی سردار سپه با تأسیس شورای قشونی

۱. علی بابایی، غلامرضا، تاریخ ارتش ایران از ۵۵۸ پیش از میلاد تا ۱۳۵۷ شمسی، آشیان، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۱۹۴-۱۹۰.

بازتاب سربازگیری و نظام سربازگیری در میان اقشار مختلف/ فاطمه هاشمی

با اعضای از همان کمیسیون فرضیه فوق را عملی ساخت.^۱

قوای نظامی ایران در سال ۱۳۹۹ ه.ش. از چند دسته تشکیل شده بود که عبارت بودند از: یکم، دیویزیون قزاق که تحت نظر فرماندهان و صاحب‌منصبان روسی اداره می‌شد و دارای ۱۱ هزار نفر ابواب جمعی بود و در ۹ شهر کشور استقرار داشت. پس از آنکه نخست وزیر وقت سپهبدار رشتی، استاروسلسکی روس را از ریاست قزاق‌خانه برکنار کرد، کلیه افسران روسی هم اخراج شدند و ایرانیان امور قزاق‌خانه را در اختیار گرفتند؛ دوم، بریگاد مرکزی که شامل صاحب‌منصبان سوئدی و لهستانی و دارای توپخانه و مدرسه آموزشی بود؛ سوم، ژاندارمری که در این زمان تحت نظارت افسران سوئدی بود و حدود ۱۱ هزار نفر از افسران ایرانی، درجه‌داران، ژاندارم‌ها، افسریاران و ... را دربر می‌گرفت؛ چهارم، پلیس جنوب که انگلیسی‌ها برای حفظ منافع‌شان در ایران تأسیس کرده بودند و اعضای ایرانی و انگلیسی با درجه‌های مختلفی از قبیل ژنرال، سرهنگ، سرگرد، سروان، ستوان و ... را شامل می‌شد؛ پنجم، قوای چریک شرقی ایران که این نیرو هم به وسیله دولت انگلیس و به منظور کمک به قشون ایران در خراسان و سیستان تشکیل شده بود و صاحب‌منصبانی ایرانی و انگلیسی را در اختیار داشت.^۲

با توجه به مطالب فوق، این نکته روشن می‌شود که نیروهای نظامی کشور متشکلت و نامتعادل بودند و صاحب‌منصبان و فرماندهان روسی و انگلیسی و سوئدی آن‌ها را اداره می‌کردند. رضاخان که در پی یکی کردن این نیروها و ریاست فائده خود بر نیروی نظامی کشور بود سرانجام در ۱۶ دی ۱۳۰۰ به این خواسته خود جامه عمل پوشاند و طی فرمانی همه سپاهیان را قشون نامید؛ «در تعقیب عقاید و نظریات سابقه خود از این تاریخ کلمات ژاندارم و قزاق مطلقاً ملغی و متروک خواهد بود و برای افراد نظام دولت علیه ایران بلا استثنا عنوان قشون را انتخاب و تصویب نموده امر می‌دهیم که عنوان مزبور را به رسمیت شناخته و مارک نوشتجات و مراسلات دوایر قشونی را به عنوان فوق تبدیل نمایند.»^۳

با ایجاد قشون متحدالشکل و ادغام نیروهای چندگانه در نظام جدید، برای نخستین بار «ارکان حرب کل قشون» تأسیس شد که دارای لشکرهای پنج‌گانه مرکز، شمال غرب، غرب، جنوب و شرق بود که به ترتیب فرماندهی آن‌ها را شخص سردار سپه، سرتیپ اسماعیل آقا امیرفضلی، سرلشکر احمد آقاخان امیر احمدی، سرلشکر محمود آیرم و امیر پنجه حسین آقا خزاعی بر عهده داشتند. مرکزیت این لشکرها در تهران، تبریز، همدان، اصفهان و مشهد بود. هر یک از آنها نیز دارای چندین دایره، رئیس، بایگان، منشی و ... بود. یکی از دوایر، دایره سربازگیری نام داشت که به امور پذیرش نفرات جدید و ترخیص آنان رسیدگی می‌کرد. تعداد سربازان که از این پس با لغو اسامی و لغات سابق، «نظامی» نامیده می‌شدند چشم‌گیر بود. به گونه‌ای که در لشکر نخست یعنی مرکز ثقل ارتش جدید تعداد ۱۳۳۶۳ سرباز وجود داشت. تعداد آنها در سایر لشکرها

۱. عاقلی، باقر، رضاشاه و قشون متحدالشکل (۱۳۰۰-۱۳۲۰)، تهران، نامک، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۷۵-۷۷.

۲. همان، صص ۹۳-۱۰۶.

۳. جهانبانی، امان‌اله، از تزار تا شاه (زندگینامه و خاطرات)، نگارش و ویرایش محمود طلوعی، تهران، علم، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۱۴۰-۱۴۱.

نیز به این ترتیب بود؛ لشکر شمال غرب ۳۷۹۹ سرباز؛ لشکر غرب ۴۰۶۵ سرباز؛ لشکر جنوب ۲۷۲۱ سرباز و لشکر شرق ۳۳۷۷ سرباز.^۱

همان گونه که مشاهده می‌شود در این دوره بیش از ۲۷ هزار نفر به عنوان سرباز در اختیار نیروی نظامی کشور قرار داشتند. هم‌چنین دو تیپ پیاده و یک توپخانه با سازمان و روش‌های نوین آماده شد. افسران و سربازان رسته‌های گوناگون نخستین آموزش‌های خود را در این تیپ‌ها فرا گرفتند. مدارس گوناگونی هم به نام مدارس نظام و دانشکده افسری بنیان گذاشته شد تا نظامیان آموزش‌های لازم را ببینند. حتی دانشجویانی هم به این منظور به خارج از کشور فرستاده شدند. در هر یک از هنگ‌های پیاده و سواره و توپخانه نیز آموزشگاه‌های گروهبانی پدید آمد و دستور داده شد تا همه ساله گروهی از جوانان درس خوانده در این آموزشگاه‌ها آموزش ببینند و سپس برای تربیت سربازان آنها به یگان‌ها تبدیل شوند.^۲

رضاخان در این فکر بود که خدمت سربازی را اجباری کند. لذا به شورای عالی قشون دستور داد که طرحی در این خصوص تهیه کنند. این شورا در جلسات خود علاوه بر روش‌های موجود سربازگیری، قوانین نظام اجباری را در سایر کشورها بررسی نمود و مواردی از آنها را در قانون نظام اجباری گنجانید. با طرح مسئله سربازگیری، محافل و مطبوعات به تعریف و تمجید از آن پرداختند تا زمینه تصویب آن را فراهم کنند. از جمله روزنامه کوشش در یکی از شماره‌های خود کمترین فایده سربازی را امحاء جین و قوه واهمه‌ای دانست که روح شهامت و مناعت را از عامه گرفته است. هم‌چنین از نظر این روزنامه، نظام وظیفه طلیعه سعادت ملی بود که در پرتو آن مجد و عظمت تاریخی و مفاخر باستانی کشور تجدید می‌شد. اجرای این طرح نشان می‌دهد که همه وقت، مردم و زمامداران دفاع از وطن را فرض ذمه خود می‌دانند.^۳

سرانجام لایحه خدمت نظام اجباری، تدوین و تقدیم مجلس پنجم شد. اما در ابتدا مخالفت شدید روحانیون را در پی داشت؛ زیرا آنان عقیده داشتند جوانانی که دو سال در خدمت نظام شاهنشاهی قرار گیرند و تحت آن نظام تربیت شوند از مسیر درست زندگی منحرف می‌شوند. اما رضاخان که در این دوره نخست وزیر بود سعی کرد از طریق نزدیکی با مدرس روحانی پر نفوذ مجلس این تبلیغات را خنثی نموده تا این لایحه به تصویب نمایندگان مجلس برسد. بالاخره لایحه به صحن مجلس رفت و مورد شور قرار گرفت. ماده اول آن به این شرح قرائت شد: «از تاریخ تصویب این قانون کلیه اتباع ذکور دولت ایران اعم از سکنه شهرها و قصبات و قراء و ایلات و متوقفین در خارج از ایران از اول سن ۲۱ سالگی مکلف به خدمت سربازی می‌باشند. مگر در مواردی که طبق قانون مستثنی شده باشند.» در این لحظه مدرس در سخنانی به دفاع از این لایحه پرداخت و این چنین استدلال کرد: «... روز اولی که پیامبر مبعوث شد یکی از احکامی که او آورد جهاد بود یعنی در ۱۳۰۰ سال پیش هم قشون عمومی و اجباری بود ... هر مسلمانی که عقیده

۱. مجله قشون، شماره ۲؛ به نقل از عاقلی، پیشین، صص ۱۱۲-۱۱۶.

۲. ذکاء، یحیی، ارتش شاهنشاهی ایران از کورش تا پهلوی، تهران، انتشارات شورای ارتشی جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری ارتش شاهنشاهی ایران، ۱۳۵۰، صص ۲۵۸-۲۶۰.

۳. روزنامه کوشش، سال سوم، شماره ۱۹، ۲۷ دلو ۱۳۰۳.

به نماز و خمس و زکات و حج دارد باید به جهاد و دفاع هم عقیده داشته باشد ... آیا هیچ جا عکس و شکل حضرت امیر را بدون شمشیر دیده‌اید ...»^۱ به این ترتیب با توجه به نفوذ مدرس و نقش چشم گیر وی در مسائل مختلف، اکثر و کلاً نیز با این قانون موافقت کردند و آن را به تصویب رساندند. البته قانون سربازگیری اجباری در همان زمان به مرحله اجرا نرسید و در ۲۱ مهر ۱۳۰۵ دولت اعلام کرد که قانون مزبور را از ۱۰ آبان به مرحله اجرا درمی‌آورد. به دنبال آن ادارات نظام اجباری و سبج احوال در تمام شهرها تأسیس شد. اولین کمیسیون نظام اجباری در تهران و در محل تکیه دولت تشکیل شد و شروع به کار نمود. متولدین ۱۲۸۴-۱۲۸۵ ش. نخستین افرادی بودند که به خدمت احضار شدند. آنها در حدود ۲۸۰۰ نفر بودند که از میان آنها ۱۴۸۶ نفر واجد شرایط جهت خدمت سربازی معرفی گردیدند.^۲

بدین ترتیب قانون سربازگیری اجباری برای نخستین بار در کشور اجرا شد. طبعاً در هر جامعه‌ای که در آن برای اولین بار قانونی وضع و اجرا می‌شود با مشکلات و کاستی‌هایی روبرو می‌شود. ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود و سربازگیری اجباری در میان طبقات و اقشار مختلف مردم بازتاب‌های گوناگونی داشت. حتی قبل از تصویب این قانون، روش‌های مخصوص سربازگیری هم با مخالفت‌هایی روبرو شده بود. به همین منظور بر آن شدیم تا با بررسی چند برگ از اسناد مربوط به سربازگیری در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی برخی از مشکلات موجود در میان مردم در این خصوص را بازگو نماییم.

شرح اسناد:

سند ش ۱

ایلات مختلف از اینکه تمام نیروهای جوان خود را در اختیار دولت بگذارند، ناراضی بودند. سران ایلات اوصالو اظهار کردند که چند سال قبل هر چه نیرو در توان داشته‌اند به عنوان سوار در اختیار مأموران دولتی قرار داده‌اند. دو سال است سلطان ابراهیم خان و نایب مهدی خان مأموران سوارگیری با فشار و تهدید بار دیگر مطالبه سوار نموده‌اند. آنان با بیان عجز و درماندگی‌شان اعلام کردند که دیگر کسی برای‌شان باقی نمانده که در اختیار مأموران دولتی قرار دهند. لذا در تلگراف خانه متحصن شده و درخواست تأمین امنیت نمودند.^۳

سند ش ۲

ایلات قاسملو و جانقلی اوشاگی هم از این که تمام هستی‌شان جهت دادن سرباز از بین رفته است، به نحوه سربازگیری اعتراض کردند. آنان درخواست نمودند در این زمینه قانونی اتخاذ شود تا سختی آن تنها متوجه رعیت نباشد؛ چنانچه تا به حال، نیمی از رعیت پراکنده و شهر نشین شده‌اند؛ بقیه هم در شرف متواری

۱. مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، ج ۲، ص ۸۱.

۲. عاقلی، پیشین، ص ۲۲۱.

۳. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره ۵، ک ۸۹، ج ۴/۱، پ ۱۱۲.

شدن هستند. زیرا نیروهای جوان آنان برای کارهای دامداری از دستشان رفته است و دیگر توانی برای ادامه زندگی در محل سابق خود ندارند.^۱

سند ش ۳

ایلات سلیمانی و ساردویی از فشارهای وارده برای دادن سرباز بنبیچه شکایت کردند. زیرا برای آنها نیز مثل سایر ایلات دیگر، نیرویی جهت زراعت و فلاحت باقی نمانده و رعایا هم متواری شده و ترک علاقه نموده‌اند.^۲

سند ش ۴

زارعین ورعایای قراء از این که مجبور می‌شدند حقوق سربازان را تامین کنند، در سختی و رنج بودند. با آنکه طبق قانون مصوب ۱۳۰۴ ه.ش. هزینه سربازان به دوش دولت افتاد ولی با بررسی عرایض مردمی متوجه می‌شویم که این قسمت از قانون حداقل در برخی نقاط اجرا نمی‌شد؛ برای نمونه اهالی کرد به واسطه اینکه طی دو سال ماهانه هر نفر ۱۵ تومان و در سه سال بعد ماهانه هر نفر ۶ تومان حقوق به سربازان داده و تمام هستی و دارایی خود را برای تأمین این هزینه به فروش رسانده‌اند به شدت ناراضی به نظر می‌رسیدند.^۳

سند ش ۵

رعایای قریه سکزاباد قزوین با شرحی از مشکلات و بدبختی‌های خود از قبیل آفت‌های وارده به محصولاتشان به واسطه تگرگ و متواری شدن زارعین، از این که مأمورین سربازگیری هم از میان همین تعداد محدود افراد درخواست سرباز می‌کنند، شکایت داشتند.^۴

سند ش ۶

اهالی کدوده فیروزکوه در نامه‌ای به مجلس شورای ملی مشکلات خود را در مورد پرداخت مالیات و از بین رفتن بذرهایشان در اثر سرما و یخ زدگی شرح داده‌اند. آن‌ها دارای ۲۵ خانوار بوده‌اند که با متواری شدن افراد تنها چند خانوارشان باقی مانده‌است ولی با وجود این، مجبور هستند از همین تعداد محدود هم سرباز بدهند که در این صورت علاوه بر کم شدن نیروی انسانی، زراعت و فلاحت هم از بین می‌رود.^۵

سند ش ۷

رعایای قریه قصبه نیز از سربازگیری ناراحت بودند زیرا آن‌ها فقط چهارده خانوار بودند و جزو ده کوره هم به حساب نمی‌آمدند با این حال می‌بایست پنج نفر سرباز می‌دادند. در این صورت، قریه کوچک مزبور خالی از سکنه میشد. خانوارها تقاضا کردند که از تعداد سربازها کاسته شده و تخفیفی برای ایشان قائل شوند.^۶

۱. همان، دوره ۵، ک ۱۲۴، ج ۱۹/۱، پ ۹۱.

۲. همان، پ ۹۷.

۳. همان مرکز، دوره ۶، ک ۶۴، ج ۳۱/۱، پ ۳۲.

۴. همان، دوره ۵، ک ۱۳۸، ج ۲۸/۱، پ ۱۹۵.

۵. همان، دوره ۵، ک ۸۹، ج ۴/۱، پ ۱۱۸.

۶. همان، پ ۳۸.

سند ش ۸

مالکین به طرز دیگری از سربازگیری ناراضی بودند. آن‌ها می‌بایست علاوه بر از دست دادن نیروی کارشان، حقوق و مواجب سربازان را هم می‌دادند. در این سند فوج خلج ساوه که در سرحدات در خدمت دولت بودند، به شرح چگونگی سربازگیری از زمان‌های پیش از مشروطه و پس از آن پرداختند. آن‌ها یک سال و نیم در سفر و دو سال در مرخصی به سر می‌بردند و دوباره در جای دیگر به خدمت در نقطه دیگری در سرحدات مشغول می‌شدند. در واقع چهار سال یک دفعه، مالکین می‌بایست سربازان خود را به راه می‌انداختند و تحمیلات آن را می‌پذیرفتند. یعنی سالی ۲ تومان نقد و ۵۰ من غله به عنوان خانواری میدادند. سپس در دوره مشروطه قرار شد سالی ۲۰۰ نفر از هر ۸۰۰ نفر در خدمت باشند و دو سال یک دفعه این تعداد تجدید شود. به این صورت، دیگر دیناری برای مالکان باقی نمی‌ماند و مالکین مجبور می‌شدند قسمتی از ملک خود را برای تأمین هزینه به فروش برسانند.^۱

سند ش ۹

مالکین سیرجان در نامه‌ای از نحوه برخورد اداره قشون‌گیری کرمان با خود شکایت کرده‌اند. آنها علاوه بر دادن سرباز موظف بودند مقداری پول هم به صورت چک پرداخت نمایند. مالکین تقاضا کردند کمیسیون مرکب از اهالی و اداره قشون تشکیل شود و به مشکل رسیدگی نماید.

سند ش ۱۰

مالکین عراق نیز با شرحی از گرفتاری‌های خود از جمله قحطی، غارت الوار، تردد قوای دولت‌های خارجه، فساد محصول، کساد تجارت قالی و بحران اقتصادی، فشارهای غیر قانونی مالیه و تعدیات اداره ارزاق، بدترین مشکل‌شان را در سربازگیری عنوان کردند. علاوه بر مشکل تأمین نفقات، مالیه هم برای تدارکات، سالی ۸۹ تومان بها به اسم هر سرباز از مالکین و رعایا دریافت می‌کرد.^۲

سند ش ۱۱

وزارت مالیه در جواب به شکایت آن‌ها این‌طور استدلال کرد که موضوع خانواری سرباز عوارض جدیدی نیست که به اهالی تحمیل شده باشد و این وجه از قدیم الأیام پرداخت می‌شده و تصمیم دولت در این مورد جهت حفظ انتظام در حقوق افراد قشون تلقی شده است.^۳

سند ش ۱۲

عموم مالکین و رعایا و علما و سادات زرنند از ظلم و تعدی مأمورین نظامی در امر سربازگیری و در پی آن، مختل شدن امور زراعت و در نتیجه تفرق اهالی شکایت کرده و درخواست رفع این مشکل را نموده‌اند.^۴

سند ش ۱۳

۱. همان مرکز، دوره ۵، ک ۱۴۷، ج ۳۶۱، پ ۸.
۲. همان، دوره ۵، ک ۱۲۸، ج ۲۳/۱، پ ۲۷.
۳. همان.
۴. همان، دوره ۵، ک ۱۴۷، ج ۳۶۱، پ ۱۳.

جمعی از سادات فقیر ساکن قریه صدرآباد زرند، به موجب دستخط ناصرالدین شاه از دادن سرباز معاف بودند، اما به تازگی مأمورین جان محمد خان با بی رحمی و ایجاد خسارت از آنان ۹ نفر سرباز را مطالبه کرده بودند. ایشان درخواست کردند که همانند سابق از دادن سرباز و پرداخت حقوقشان معاف باشند.^۱

سند ش ۱۴

کسبه و کارگران نجف‌آباد در نامه‌ای از مجلس تقاضا کرده‌اند تا از اقدامات خلاف قانون صاحبمنصبان نظامی و شاهزاده غلام‌حسین میرزا مینی بر دریافت اعانه از آنها برای معافیت از سربازی جلوگیری کنند. عده‌ای از کسبه به خاطر مخالفت با این پیشنهاد متواری شده و یا مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.^۲

سند ش ۱۵

سربازان مزینان خراسان از اینکه خانواریشان قطع و ضبط دولت شده است و عیال و اطفالشان در گرسنگی به سر می‌برند، شکایت کردند. سربازان مزبور درخواست کردند خانواری آنها مثل سابق پرداخت شود.^۳

سند ش ۱۶

با توجه به تمام مشکلات موجود در راه سربازگیری به ویژه از طریق نظام بنیچه، وزارت جنگ طی نامه‌ای از مجلس شورای ملی خواست قانون نظام وظیفه اجباری هر چه زودتر تصویب و اجرایی شود؛ زیرا این قانون یگانه راه رفع شکایات متوالی صاحبان بنیچه و از بین رفتن اشکالات موجود در اداره قشون است.^۴

سند ش ۱

مقام مقدس دارالشوری ملی - شیداله ارکانه

عرض آستان مقدس می‌رسانیم جانتاران عموم ئیل^۵ اصانلو در چند سال قبل آنچه سوار که قوه ما بود و قابل خدمت بودند دولت از ما گرفته و سال قبل هم سلطان ابراهیم خان مأمور سواری بگیری آمد از ما مطالبه سوار نمود. ما به جبر و فشار آنچه در قوه داشتیم سوار دادیم؛ مجدد هم نایب مهدی خان مأمور سوار بگیری آمده ما را در فشار آورده که سوار باید بدهید. قسم بخدای عالم و بشرافت دولت که دیگر نه کسی از برای ما باقی ماند و نه حس و نه رمقی آخر ما بیچاره‌ها بچه وسیله سوار بدهیم. دیگر توانایی نداریم. اگر بذل مرحمتی به این یک مشیت رعیت بیچاره نشود، عنقریب است که همه از دست رفته و متواری بشویم. دیروز گذشته که دویم شهریور باشد عموم ئیل در تلگرافخانه متحصن بودیم، دو نفر نظامی با نایب مهدی خان مأمور سواری بگیری آمده که ما را دستگیر بنمایند عموم از ترس متحصن به تلگرافخانه شده دو نظامی مذکور چند تیر برای عموم خالی نموده؛ یک نفر از بیچاره‌های ئیل اصانلو زخمی شده، ما بیچاره‌ها چه بکنیم؛ دیگر پناه و ملجایی نداریم. متحصن بکجا بشویم. التفاتی در حق این بیچاره‌های فلک زده نموده که عیال

۱. همان، پ ۲۵.

۲. همان، دوره ۵، ک ۱۳۱، ج ۲۴/۱، پ ۱۳۱.

۳. همان، دوره ۵، ک ۱۴۳، ج ۳۲/۱، پ ۴۰.

۴. همان، دوره ۵، ک ۱۲۴، ج ۱۹/۱، پ ۹۲.

۵. ظاهراً صحیح آن ایل است.

و اطفال ما در بیابان بیکس و گرسنه و تشنه‌اند. جان نثاران عموم نیل اصانلو. [مهر ۳۴ نفر]

سند ش ۲

[نشان تاج و شیر و خورشید]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از: یافت

به: ط [طهران]

۶ ثور ۱۳۰۴

مجلس مقدس شورای ملی ایران کپیه مقام منبع رئیس الوزرا - دامت عظمته - رعایای ایلات قاسملو و جانقلی اوشاغی طایفه عمومی صفی‌قلی‌الاولی و علی غرلر از فشار و سربازگیری بنیچه که هستی آنها برای معرفی سرباز از دست‌شان رفته، نگرانی خود را اظهار، اجتماعاً از رئیس‌الوزراء محبوب خود و کلاهی محترم مجلس استدعا می‌نمایند در آتیه قانونی برای گرفتن سرباز از این مملکت تدوین فرمایند که قاطبه اهالی در مقابل آن به حکم واحد و تنها سختی آن متوجه رعیت نباشد و الا رعیت بکلی از دست خواهد رفت و همانطوریکه تا بحال نصف رعیت پراکنده شده‌اند بقیه هم بآنها تأسی جسته رعیتی خود را گذارده متواری خواهند شد. محض دولت خواهی عرض شد. رؤسای ایلات و طوایف. [امضای ۲۲ نفر]

سند ش ۳

[نشان تاج و شیر خورشید]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از: یافت

به: ط [طهران]

توسط آقای روحی نماینده محترم کرمان، مقام رفیع وزارت جلیله جنگ و ریاست‌وزراء دامت شوکت کپیه ساحت مقدس درالشورای ملی - شیداله ارکانه - عرض حال ما بیچاره‌های ستم‌کش بی‌گناه آواره از وطن بر این است که بواسطه بجان آمدن از ناداری سرباز بنیچه که فقط فشار آن تحمیل بر رعیت و زعیم است، ترک علاقه و هستی خود نموده دست از خانه و زندگی و رعیت خود برداشته با یکمشت زن و بچه فقیر و گرسنه بکوه‌ها متواری و چنانچه باز هم دست از سر این یکمشت رعیت گرسنه برندارند و در کوه‌ها هم ما فلک زده‌ها را آسوده نگذارند، مجبور از خودکشی خواهیم بود. البته اولیای امور هم فکری برای زراعت و فلاح مملکت خود خواهند نمود. ارض اله الواسعه. عموم رعایا متواری پریشان روزگار ایلات سلیمانی ساردوئی و مهنی [۲۲ نفر از اهالی]

سند ش ۴

۱۲ دی ماه ۱۳۰۵

ساحت مقدس مجلس شورای ملی - شیداله ارکانه

چاکران اهالی بدبخت کردند مدت پنج سال است سرباز باداره محترم قشونی داده، دو سال را نفری ماهی

پانزده تومان و سه سال دیگرش در ماهی شش تومان حقوق به سربازان داوطلب می‌دادیم. به واسطه این حقوق سربازی افلاس و عموماً از دست رفته، هستی و دارائی که داشتیم بفروش رسانیده، به حقوق سربازان داده‌ایم. چندین مرتبه است استدعا می‌نمائیم بذل مرحمتی نسبت باین رعیت بدبخت بشود، نتیجه به دست نیامده، لذا عرضه میداریم که ترجماً عطف مرحمتی فرموده، بعد از مدت پنج سال خدمت از دادن حقوق، چاکران را تصرفاً معاف فرمایند، یا اینکه تخفیفی مرقوم فرمایند که دعاگو و بعد از چند سال خدمت فرار[ی] بخاک خارج نشویم. امر امر مبارک است. (چاکران اهالی سربازی کردند) [مهر و امضای ۲۸ نفر]

سند ش ۵

مقام منبع مجلس مقدس شورای ملی - شیداله ارکانه
محترماً عرضه میدارد این چاکران رعایای قریه سکزآباد من محال قزوین، قرب چهار سال است محصول این چاکران آفت رسیده؛ یکسال آفت تگرگ و یکسال دیگر آفت زنگ. قریه سکزآباد ششصد نفر زارع داشت از نیامدن محصول ششصد نفر هم متواری شده‌اند حالیه زارع سکزآباد دویست نفر همان هم متواری شده‌اند. فقط منحصر مانده است بیکصد نفر؛ آن یکصد نفر هم فقط گذران آنها بنان ارزن است. حالیه مأمورین سربازگیری اخطار کرده‌اند که باید سکزآباد سی سرباز بدهد. از قوه ما بیچارگان از برای رضای خدا یکفکری بحال ما بیچارگان بفرمائید در این سرمای زمستان متواری نشویم. عرض این چاکران بحضور نمایندگان محترم، این است. عریضه ریش سفیدان و رعایای قریه سکزآباد زهرا. [مهر ۳۲ نفر]

سند ش ۶

۲۰ شهریور ۱۳۰۴

مقام محترم مجلس دارالشورای ملی - شیداله ارکانهم
محترماً بعرض آستان مبارک می‌رسانیم جان نثاران رعایای کدوده من محال فیروزکوه اولاً بخدائیکه تمام جان ماها در ید قدرت اوست و به محمد ابن عبدالله (ص) قسم است، عریضه‌ایکه در پست قبل و حالیه معروض می‌داریم بدون اشتباه و تخلف است و در پست قبل معروض داشته در سنه ماضیه ۱۳۰۳ آن چه بذریکه کشت نموده‌ایم به کلی سرما و یخ از ید جان نثاران خارج نمود و یکسیر عاید نگردید و العانه موقع بذرکاری هذ ه سنه ۱۳۰۴ می‌باشد بواسطه نداشتن غله بجهت بذر و نه بودن آب و خرابی سیلاب در این چند روزه چه عرض نمائیم و از همه اینها گذشته جواب دولت را بواسطه مالیات از نقد و جنس که در محل مانده است، متفکریم چه نوع جواب بگوئیم و فشارات مأمورین ایشان را چه بکنیم و خجالت عمل و عیال را چه نوع قبول بکنیم لذا از زمان قدیم که تعداد جان نثاران ۲۵ خانوار بوده است قدری سرباز بجهت خدمتگزاری از جان نثاران می‌گرفتند حال چند سال است قدری متوفا شده‌اند و چند نفری هم بواسطه نقارت و فشارات فوق الطاقه با عیال و اطفال، متواری شده، بماندندان رفته‌اند و این چند نفری که باقی مانده‌ایم هشت نفر سرباز العانه از جان نثاران هم سر خدمت حاضر می‌باشند و مابقی هم مسن و مستحصیل و پریشان حال.

مجدداً یازده سرباز دیگر از جان نثاران می‌خواهند. استدعای عاجزانه از مقام محترم چنانست و حضرت پروردگار عالمیان را شفیع قرار می‌دهیم، یکنفر ممیز حقیقت کیش اعزام فرمائید در محل تشریف بیاورند و خدا را در نظر داشته باشند و حقیقت رسی بفرمایند تا معلوم شود عرایض جان نثاران بر حق است یا اینکه کذب عرض نموده‌ایم. البته اگر چنانچه کذب عرض نموده‌ایم هم مجازات می‌شویم تا عبرت سایرین بشود و اگر چنانچه تصدیق به حقانیت جان نثاران فرمودند تصدیق فرمائید که اسباب آسایش و بدعاگویی وجود محترم مشغول بوده و باشیم. جان نثاران رعایای کدو ده در خاتمه خاطر محترم را مستحضر می‌داریم چند روزی در فیروزکوه رفته، خدمت آقای ارشدالممالک از بدبختی خود معروض داشته و از آنجا بازگردد رفته خدمت حضرت اشرف آقای امیراکرم عرض حال داده، چند روزی منتظر بوده، به عرض جان نثاران رسیدگی فرموده‌اند. ناچاراً به تلگرافخانه مبارکه که خار آمده متحصن شده‌ایم تا بعرایض حق جان نثاران رسیدگی شود.

[مهر و امضای ۱۲ نفر]

سند ش ۷

۳۱ سرطان ۱۳۰۳

مقام منیع محترم جلیله هیأت مجلس دارالشورای ملی - شیداله ارکانه عرایض این بنده گان^۱ چهار خانوار رعایای قریه قصبه که سابقاً قریه و قصبه بوده است بهمان اسم سابق آبادی قریه قصبه شهریار باقی ماند[ه] است و حالیه همین اسم آبادی است که در جزء ده کوره هم محسوب نمی‌شود باعث خرابی و مضمحل شدن و متواری رعیت و خالی از سکنه از حیث خراب شدن دو سه رشته قنات و پنج نفر سرباز که حالیه این سه چهار خانوار در معزورات^۲ دولتی افتاده در تحت فشار معذورات ظلم واقع شده‌ایم و نه همچو استطاعتی داریم که در طهران آمده، رفع معذورات ظلم را بنمائیم که این بیچارگان بچه اندازه در تحت فشار ظلم بوده باشیم. سه چهار خانوار پنج نفر سرباز در صورت نداشتن رعیت و خالی از سکنه شدن آبادی مستدعی هستیم با تصدیق اهل محل و فرستادن مفتش به این ده کوره به پنج نفر سرباز تخفیف مرحمت شده، آسوده خواطر^۳ بوده باشیم. امید است که بذل توجهی خواهید فرمائید. زیاده عرض نیست. [مهر ۶ نفر]

سند ش ۸

به توسط حضرت اشرف آقای مؤتمن الملک رئیس دارالشورای ملی - دامت شوکت حضور محترم نمایندگان مجلس شورای ملی شیداله ارکانه فوج خلج ساوه که از قدیم در سرحدات خدمتگزار دولت بوده، قانون دوره استبداد چنین بوده که فوج را مأمور فارس یا خراسان یا جای دیگر

۱. بندگان.

۲. معذورات.

۳. خاطر.

می‌فرمودند، یک سال و نیم، دو سال در سفر بوده، مرخص می‌فرمودند دو سال هم در خانه مرخص بوده، پس از آن باز مأمور می‌فرمودند که در واقع چهار سال یک دفعه فوج حرکت میکرد مالکین می‌بایست سرباز خود را راه انداخته و تحمیلات آن را متحمل شوند. سالی هم دو تومان نقد و پنجاه من غله سفرأ و حضراً بخانه سرباز خانه‌واری میداد. پس از آن که دوره عدل شد در اوائل مشروطه فوج خلج را دولت باداره ژاندارمری واگذار فرمودند قرار شد دو سالی دویست نفر از هشتصد نفر در سر خدمت باشند، دو سالی یک دفعه عده تجدید شود که در چهار سال یک دفعه تمام فوج دویست نفر دویست نفر دو سال دو سال خدمت نمایند و با این دویست نفر سالی نفری دوازده تومان تدارک از تمام بنیچه هشتصد نفر جمع آوری کرده بخانه این دویست نفر سرباز قبض گرفته باداره بدهند. چهار پنج سال رئیس محلی آقای سیف لشکر بوده؛ به این ترتیب همه ساله این میزان را از مالکین گرفته به دویست نفر حاضر خدمت پرداخته، غیر این دیناری دیگر برای مالک تحمیلی نبوده، حالا چهار سال است که مأمور وزارت جنگ همه ساله آمده نصف سرباز را مطالبه می‌کنند. چون رئیس محلی نداریم و مأمورین بلدی و ترتیب بنیچه و محل ندارند. اولاً سربازی که صحیح و پادار باشد نمی‌برند این است که همه اوقات مالکین بیچاره برای فراری دچار خسارت‌های عمده شده‌اند. تدارک فوق‌العاده از مالکین مطالبه کرده که همه ساله مالکین بیچاره باین پریشانی باید مبالغ زیاد تحمل خسارت سرباز شده بعلاوه در همه اوقات در فشار مأمورین نظامی هستند دیگر کارد به استخوان^۱ رسید نه قوه دادن دارند نپای گریز. کار بجائی رسیده که راضی شده‌اند از این جزئی ملک صرف نظر نمایند. این روزها لاعلاج تمام مالک می‌خواستند به طهران آمده در وزارت جنگ عرض عاجزانه خود را بکنند. آقای سیف لشکر آمدن هزار نفر از مالک می‌خواستند به طهران بیایند و خسارت کلی و مزاحمت اولیای دولت را صلاح ندانسته، قرار شد بر حسب تقاضای طایفه خلج خودشان طهران آمده، از طرف مالکین با وزارت جلیله جنگ، مذاکرات لازمه را کرده؛ قرار دادی داده شود که هم خدمت دولتی بخوبی انجام شود و هم مالکین بتوانند از عهده برآیند. یک بلوک و طایفه که سالی نقد و جنس کلی مالیات میدهند و یک فوج باید بدولت بدهند و دوهزار نفر در قزاقخانه نظامی داوطلب از این طایفه مشغول خدمت است، دور از انصاف است که بکلی بی‌پا شود استعدای عاجزانه داریم که بوزارت جلیله جنگ مقرر فرمائید که به آقای سیف لشکر در این باب مذاکره لازمه را فرموده، عادلانه قرار قاطعی داده مرحمتی فرمایند که بتوانیم از عهده برآئیم چون آقای سیف لشکر سال‌ها حکومت داشته و رئیس این فوج بوده کاملاً از ترتیب بنیچه سرباز مسبوق و عامل میباشند و بعلاوه رئیس و ریش سفید و امین و طرف اطمینان عموم طایفه و مالک خلیجستان می‌باشند. هر قراری که بدانند و هر تعدیل که بفرمایند تمام مالکین خلج با جان و دل قبول داریم. طوری باشد که یک رئیس محلی از خودمان داشته باشیم و تکلیف خود را بدانیم که از روی چه قانون باید نفرت خود را همه ساله راه بیندازیم و سالی چه باید بدهیم تا آسوده مشغول دعاگویی بشویم. عرض عاجزانه عموم مالکین بلوک خرقان خلیجستان ساوه است. [مهر ۱۱۰ نفر]

۱. استخوان.

سند ش ۹

عشوال ۴۳ [۱۳]

ساحت مقدس مجلس شورای ملی - شیداله ارکانه

برای استحضار مبارک آن وزارت محترم شرح سربازگیری سیرجان را عرضه می‌داریم. در دو سال قبل از طرف اداره محترمه قشونی کرمان مأموری برای پادار کردن کسر نفرات سیرجان فرستاده شد. برای پادار کردن یک نفر سرباز مسلح هیجده تومان باسهم تدارک از اربابان ملک گرفته و چند نفر سربازی که از اهالی جبراً گرفتند و معلوم نیست چه مبلغ گرفته شود و چند نفر سرباز گرفتند. مجدداً تقریباً در پنج ماه قبل مأموری برای سربازگیری فرستاده شد؛ این دفعه تمام سرباز را از اربابان مطالبه می‌کردند و حکم شده بود که نفرات را بگیرند لیکن مامور سربازگیری حرفش این بود که چون در موقعیکه از طرف اداره قشونی اعلان شده بود که هرکس هجده تومان دارد و چک دارد چک خود را بیاورد کرمان تا سربازش معرفی شود و کسی کرمان نرفته و چک خود را تحویل نداده است، آن سرباز سابق داوطلب معاودت داده شده و حالیه باید اربابان تمام سربازهای خود را راضی و معرفی نمایند لیکن هر کس چک داشت یا چک او را از دستش می‌گرفتند یا اینکه از هشتاد تومان الی نود تومان وجه از او یا چک گرفته می‌شد. از طرف اداره قشونی رسید سربازی به تاریخ چک با ذکر مبلغ هجده تومان استرضائی به مالکین می‌دادند آن مبلغی که گرفته شده بود از میان می‌رفت هر کس چک نداشت، مجبور بود سربازی راضی و معرفی نماید. پس از رضایت سرباز هم می‌بایست از سی تومان الی هشتاد تومان یا کمتر وجه به مامور سربازگیری بدهد که سربازش پذیرفته شود. علی‌ایحال با دو نفر از متنفذین محل همدست شده، مشغول سربازگیری شدند در بین سربازگیری هم اعلامی از طرف اداره قشونی نشر شد که سرباز بیشتر از یکصد و پنجاه تومان نباید تمام شود لیکن با پولیکه مامور سربازگیری می‌گرفت، سرباز به دویست و چهل تومان رسید. شهرتی هم پیدا کرد که ۳۵ سرباز از طرف اداره قشونی بمستضعفین و فقرا تخفیف داده شده لیکن این مطلب را بکسی اعلام و اخطار نکردند. در کمیسیون سه نفری که مرکب بود از مامور سربازگیری و دو نفر از متنفذین محلی مذاکره میشد، به هر کس هم سرباز تخفیف میدادند مبلغی از او دریافت میکردند و معلوم نبود به کیسه که می‌رود. هنوز هم امر سربازگیری از طرف اداره قشونی موقوف شد. کمتر کسی باقی ماند که سرباز خود را نداده و مبلغی عمده متضرر نشده باشد. علی‌ایحال مبلغ عمده‌ای خسارت متوجه اهالی شد و چند روز قبل هم تلگرافی بهر اهالی رسانیده و تمام کردند؛ گویا مضمونش این بود که ما قوه ندایم دومرتبه سرباز بدهیم. که چه بود این تلگراف به مهر اغلب از اشخاص نبود کمتر سرباز به ده نرسیده بامهار کسبه بازار و متفرقه است. دیگر نمی‌دانیم غرض از اینکار چه بود زیرا که همان مامور سربازگیری را که سرباز از سیرجان گرفته بود، فرستادند از طرف اداره قشونی سیرجان مجدداً با یکی از متنفذین محلی همدست شده، این تلگراف را تمام کردند شهرتی دارد که رضایت نامه‌ای هم تمام شده است. در موقع سربازگیری هم از بعضی از اربابان رضایت نامه گرفتند. هرگاه این ترتیبات طبق مقررات قانونی است که محتاج به درست کردن تلگراف نبوده و اگر هم محتاج میشد چرا اشخاص بنیچهکش نمیبایست مهر کنند و هرگاه طبق قوانین موضوعه نیست و بعرض ما اهالی بیچاره

بازتاب سربازگیری و نظام سربازگیری در میان اقشار مختلف / فاطمه هاشمی

رسیدگی میشود، ما امضاء کنندگان ذیل حاضریم با بودن مأمور صحیحی در سیرجان عرایض خود را مدلل بداریم و اینکه پس از انجام کار سربازگیری عرض شد، علتش این است که اگر در موقع سربازگیری کسی شکایت می کرد اسباب زحمت برایش فراهم می کردند و هم شهرت داده بودند هر کس شکایت کند از طرف اداره قشونی تبعید می شود. (مهر و امضای ۲۳ نفر از مالکین سیرجان)

سند ش ۱۰

[نشان تاج و شیر و خورشید]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

۱۶ سرطان ۱۳۰۳

از عراق به طهران

کوچه مریضخانه دولتی توسط آقای مستوفی عراقی مقام منیع مجلس شورای ملی - شید اله ارکانه - کپیبه ریاست وزراء عظام - دامت شوکت - حضرت حجه الاسلام آقای مدرس - دامت برکاته - و آقای سهام السلطان و آقای حاج آقا اسمعیل و کلای محترم عراق علاوه از صدماتی که بر اهالی عراق در چند سال اخیر از قحطی و غارت الوار و تردد قوای دول خارجی وارد آمده فساد محصول در این دو ساله و جدیداً کسادی تجارت قالی که لطمه مستقیم آن بر عایا و بعد به مالکین متوجه است، یک بحران اقتصادی در این ولایت ایجاد کرده است که اگر تا دو سه ماه دیگر دوام کنید اغلب خانواده‌های ملاک به کلی از هستی ساقط می شوند. تعجب در این است که با این شداید تحمیلات روز افزون دولت باین مردم فلک زده در تزیید و هر روز بعنوانی تازه باری بر بارهای مالک و رعیت عراق گذاشته می شود. تعدیات اداره ارزاق در آفت گندم و فشارهای غیر مشروع مالیه در اخذ قیمت جو بالمضاعف عجلتاً از موضوع عرض ما خارج است. بدتر از همه موضوع سربازگیری است که علاوه از نبودن پول تهیه نفرات بکلی ممتنع و غیر ممکن است، معذک جدیداً مأموری بعراق آمده و تتمه نصف افواج عراق و عوض سربازان کنترات سرآمده را خبر نموده و عجیب تر آنکه نفرات سرباز را دولت می گیرد. مالیه هم بعنوان تدارک سالی هشت تومان نه تومان باسم هر سربازی از مالکین و رعایا از چند سال باینطرف دریافت می کنند، در صورتیکه اگر این وجه کمک خرج سرباز است با دادن سرباز و کنترات کردن سه ساله او معنی ندارد و اگر مالیات جدیدی است بدون تصویب مجلس، قانونیت نخواهد داشت. استدعا می نمائیم توجهی فرمایند اولاً تدارک سالیانه که بدون تصویب مجلس در این چند ساله معمول شده و یک تحمیل زائدی است، امر فرمائید مطالبه ننمایند و ثانیاً امر فرمایید به همان قدر سربازی که سر خدمت است قناعت کرده و از احضار بقیه در این موقع بحران اقتصادی که حقیقتاً پول در تمام عراق نایاب است، صرف نظر نمایید. احقر [امضای ۲۸ نفر]

سند ش ۱۱

وزارت مالیه

اداره عایدات داخلی

دایره جمع

۱۵ سنبله ۱۳۰۳

نمره ۱۸۴۲۳/۸۳۱۹

ریاست محترم مجلس مقدس شورای ملی

در جواب مرقومه نمره ۵۷۰۱/ اول آن متضمن شکایت تلگرافی معاریف عراق راجع بموضوع خانواری سرباز و آفت گندم خاطر محترم را مستحضر می‌دارد، موضوع خانواری سرباز عوارض جدیدی نیست که به اهالی تحمیل شده باشد. از قدیم اوقاتی که سرباز به سفر میرفت مالکین وجهی به تفاوت محل بخانواده او میدادند و این عوارض غیر از تدارک و استرضائی میباشد که معامله اختصاصی بین مالکین و سرباز است. در سنوات اخیر، دولت تصمیم نمود برای انتظام حقوقات افراد قشون همان عوارض خانواری قدیمه را مستقیماً بگیرد و حقوق افراد سرباز را مستقیماً تأدیه نماید و این در کلیه نقاط مملکت، مجری و معمول است. شکایت اهالی عراق موجب ندارد. در باب آفت گندم نیز فروشندگان مختار هستند گندم خود را پاک کرده، نود و پنج من به جای یک صد من تحویل نمایند و از همین قرار جواب اهالی صادر گردیده است. [مهر و امضای] وزارت مالیه

سند ش ۱۲

مورخه ۵ شهر ذیقعدہ الحرام ۱۳۴۲

مقام محترم نمایندگان معظم دارالشورای کبری - شیداله ارکانه

امروزه که اس اساس زندگانی و حیات مملکت بسته و مربوط به زراعت و فلاح است، راجع به امر سربازگیری در صفحه زرنند مأمورین نظامی آتشی بر افروخته‌اند که اهالی پیمانہ صبرشان لبریز گردیده است. یک مشت زرنندی فوراً بطهران آمده‌اند و یکمشت دیگر دستگیر و شبانه روز امور رعیتی بکلی مختل و آب قنوات را نظامیان بر اهالی مسدود، در اینموقع که یک ساعت آن مبالغی قیمت دارد آنچه لازمه فشار و مظالم دوره و حیثیت ماست در حق اهالی بدبخت زرنند بموقع اجراء می‌گذارند. شرح تعدیات، رقت انگیز و مواد ظلم، خارج از حد تقریر است. قیامتی مأمورین بر پا نموده‌اند که زن و مرد فراری و متفرق شده‌ایم. تا آن موقعی که مجلس محترم علاج و درصدد چاره برآیند، اهالی زرنند در زیر آتش ظلم سوخته‌ایم. استدعا داریم فوری از مأمورین بیرحم و وحشی جلوگیری فرمایند تا آنکه امر و مقرر گردد یک کمیسیون از نمایندگان محترم وزارت جنگ و وزارت مالیه تشکیل فرمایند تا آنکه در تحت قانون تحمیل سربازگیری را به نحوی مراعات فرمایند که قابل تحمل باشد و این یکمشت رعیت بدبخت بکلی فانی و مضمحل نشوند. اوامر عالی مطاع. [مهر و امضای ۲۸ نفر از] علما و سادات و ملاکین و رعایای فراری زرنند.

سند ش ۱۳

ساحت مقدس مجلس شورای ملی - ادام اله بقائه

(امن بیجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء) ما یک مشت سادات فقیر جزو ساکنین قریه صدرآباد زرند بموجب فرامین و دستخط شاه شهید، نظر به بی‌استعدادی و مخروبه کی^۱ املاک متعلقه این دعاگویان از دادن نه نفر سرباز معاف بودهایم تا امسال کسی اجابت نه ۹ نفر از ما سرباز نگرفته، اداره قشونی هم به موجب فرامین تا امسال در موقع گرفتن سرباز ما را از نه نفر معاف دانسته، مطالبه نمی‌کردند. امسال مأمورین جان محمد خان سرتیپ تیپ عراق بطور شقاوت و بی‌رحمانه ما را در این موقع حصاد و نتیجه برداشتن زراعت با این آفت زده‌کی^۲ از رعیتی و خانمان تار و مار و فرار رانده و خسارت کلی وارد آورده‌اند و نه نفر سرباز را مطالبه می‌نمایند. استدعا می‌نمائیم استرحاماً با ملاحظه فرامین ما مقرر فرمایند؛ مثل سنوات معموله ما را از نه نفر معاف دارند که نه قادر به سرباز شدن هستیم نه دیگر استطاعت سرباز یکی صد و پنجاه و دویمست تومانی داریم و الا ناچار هر یک بگدائی پراکنده شد[ه] و مسئول آن در روز شورای عالی قیامت کبری در پیشگاه عدل‌اله شما خواهید بود. سادات صدرآباد زرند [مهر و امضای ۲۳ نفر]

سند ش ۱۴

مورخه ۲۱ ربیع الاول ۱۳۴۴

مقام مقدس ریاست دارالشورای کبری آقای آقا میرزا حسین خان پیرنیا - زیدها اجلاله العالی
عرض یکعده کسبه و کارگر بازار نجف آباد اصفهان باستان مبارک، این است که تا حال مکرر عرایض بمقامات عالیه مرکز بتوسط پست عرض و تظلم نموده، هیچ یک را اولیای امور مملکت نظر توجهی نفرموده‌اند و بعرض ما بیچاره کان^۳ الطفاتی^۴ نشد. استدعای عاجزانه داعیان این است که ریاست معظم کعبه آمال ملی ایران را از ظلم‌هایی که به طبقه ضعیف کارگر و زحمت‌کش وارد آورده‌اند، متذکر نمائیم چندی پیش دو نفر صاحب منصب نظامی یک نفر سلطان لطف اله خان رئیس قشون گیری و یک نفر یاور امان اله خان حفظ الصحه قشونی وارد نجف آباد و سرباز محلی خواسته از هفده (۱۷) سهم یازده سهم چهل و چهار نفر سرباز زارعین خورده^۵ مالک بوده‌اند که داده‌اند بیست و هشت نفر سرباز هم که باید شش چوب آب و املاک دیگر بدهد. این شش چوب چون مال رؤس و کدخدایان که همیشه صاحب نفوذ و دست قدرتشان برای غصب حقوق دیگران قادر بود، خواستند سرباز محل زراعتی خود به ما کسبه بیچاره تحمیل نمایند، مدت یکماه در اصفهان متواری تا آنکه بتوسط حضرت مستطاب آقای حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی تلگرافی بارکان حرب در شیراز و جواب آسایش کسبه را فراهم نمائید، رسید و رئیس قشون گیری هم قول

۱. مخروبه‌گی

۲. آفت زدگی

۳. بیچارگان

۴. التفاتی

۵. خرده

و اطمینان به کسبه داد که متعرض آن‌ها نشود و بیست و هشت ۲۸ نفر سرباز را از صاحبان شش جوب آب و املاک خواست بگیرد. کدخدایان و رئیس رفتند در شهر و شاهزاده غلامحسین میرزا نماینده دارالشوری را با خود برداشته و تشریف آورده‌اند در نجف آباد و یک مجلس تشکیل داده‌اند و از کسبه، اولاً اعانه خواستند؛ کسبه قبول نکرده‌اند. عرض نموده‌اند هر گاه صاحبان این آب و املاک مورد ترحم و اعانه بوده‌اند بر همه کس واجب بود که اعانتی بنمایند ولی چون همه صاحبان سروت^۱ و املاک هستند اعانه واجب نیست لهذا نمی‌دانیم شاهزاده بچه مدرکی با صاحب منصب سربازگیری این تحمیل را بر ما بیچاره‌کان^۲ روا داشتند. شاهزاده جهت اصفهان حرکت نموده‌اند و سلطان دوازده نفر از کسبه را گرفت و بنای تشدد را گذاشت؛ کسبه همان شب باز جهت تحصن در تلگراف‌خانه و اصفهان تدریجاً و فراراً رهسپار شدند و غافل از این که سر راه نیم فرسنگی را نظامی‌ها بسته‌اند. هر چه کسبه فقیر پنج نفر چهار نفر رسیده، گرفته دست بسته و انداخته تا صبح هشتاد و سه نفر را کت بسته جلوی سرنیزه تفنگ عودت در اداره سربازگیری نجف آباد آرند^۳ و با شلاق ظلم از یک مشمت کارگر فلک زده ۲۸ نفر سرباز را گرفته و هر سرباز را کسبه با چه خسارت از قراء پنج فرسخی و دور دست با استرضائی‌های گزاف آورده و تحویل اداره قشون‌گیری دادند. این است شرحی از حالات طبقه فقیر دور از مرکز که باین گونه ظلم‌ها گرفتار شده‌اند و هر جا پناهنده شدیم تا حال دادگری بداد ما بیچارگان نرسیده و کس این سؤال را از شاهزاده غلامحسین میرزا نکرد که بچه فلسفه و مدرکی یک چنین ظلمی را بیکمشت کاسب امثال گیوه‌دوز، صباغ، حداد، حلاج [و] عطار روا داشتند. باقی الامر مطاع مطاع. [امضای هیأت کسبه و کارگران و مهر ۱۴ نفر]

سند ش ۱۵

[نشان تاج و شیر و خورشید]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از سمنان به طهران

مقام منیع وزارت جلیله جنگ - دامت عظمته

دولت علیه اجداد چاکرانرا از مزینان جزو خراسان بعنوان گروهی بسمنان آورده، سکونت داد و املاک ما را [به] عنوان خالصه ضبط نموده، سالیانه هفتاد [و] پنج خروار گندم از اصل مالیات از انبار دولت بعنوان خانواری بچاکران مرحمت می‌فرمودند و هر زمان فوج سمنان را حرکت می‌دادند. سی [و] پنج نفر را که در نتیجه فوج سمنان در دفتر ثبت است، سی نفر آن را از اجداد چاکران، تعیین و برای خدمت‌گزاری حاضر می‌نمودند. پس از دو سال از دوره مشروطیت دولت علیه چاکران را معاف و خانواری مزبور ضبط فرمودند چون بضاعت و آب و ملک در سمنان نداریم فقط اعاشه ما از هفتاد [و] پنج خروار خانوار بود پس از ضبط

۱. ثروت

۲. بیچارگان

۳. آوردند

دولت عده [ای] از چاکران باطراف سمنان متواری و بعضی ساکن به ذلت اعاشه می‌نماییم اکنون حسب الامر نصف عده چاکرانرا احضار فرمودند با کمال افتخار اطاعت امر نموده، حاضریم. استدعا آنکه امر فرمایید خانواری چاکران از انبار دولتی لطف فرموده، اعاشه عیال [و] اطفال خود را مرتب نموده، برای خدمت‌گزاری حاضریم. چنانچه بذل مرحمتی در پرداخت خانواری نفرمایند عیال [و] اطفال چاکران از گرسنگی تلف، خود چاکران استطاعت حرکت الی طهران نداریم. البته حضرت اشرف نظر برعیت پروری راضی نخواهند شد سر زمستان یک مشمت عیال [و] اطفال چاکران گرسنه و [از] سرما تلف شوند. استدعای بذل مراحم مخصوص داریم. هیأت خراسانی ساکن سمنان، آقابابا غلامحسن، ابوالقاسم، فرج اله، غلامرضا محمد حسن، محمد حسن، علیرضا، فرج اله، محمد حسن، رضا، قاسمعلی، محمد ابراهیم، آقا محمد رضا.

سند ش ۱۶

وزارت جنگ

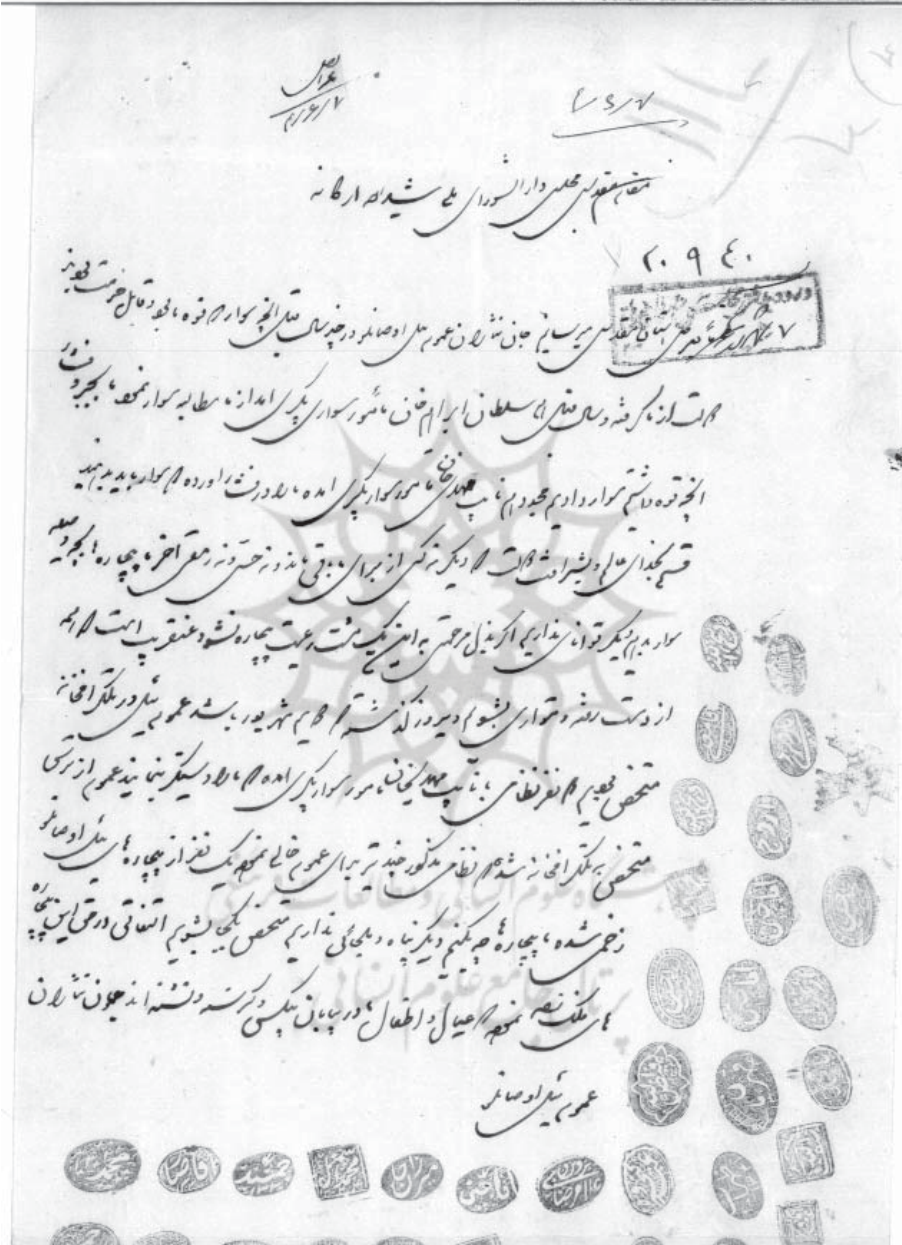
۵ خرداد ۱۳۰۴

اداره ارکان حرب کل قشون

دایره [ناخوانا] سوم سربازگیری نمره ۱۹۲۷/۳۸۳

ریاست محترم مجلس شورای ملی

عطف بمرقومات نمرات ۱۶۴۱۱-۱۶۴۳-۱۶۴۴۴-۱۶۴۷۵-۱۶۴۷۶ راجع بموضوع سرباز بنیچه اگرچه دستورات لازمه در مراعات و تسهیل احضار نفرات بنیچه به لشکرهای مربوطه صادر گردید ولی ضمناً برای مزید استحضار متذکر می‌گردد چون سنوات متمادی است، در ترتیب و تعدیل بنیچه قشون‌گیری با رعایت مقتضیات وقت تجدیدنظر نشده است و با وضعیت فعلی اخذ نفرات قشونی مطابق همان بنیچه قدیم مصادف با همین موانع و محظورات روزانه البته که هم موجب شکایات متوالیه صاحبان بنیچه به طور عموم و هم تولید اشکالات برای اداره قشون مینماید لذا یگانه طریقه که برای رفع موانع حاصله و آسایش عمومی اتخاذ گردید، همان قانون نظام وظیفه اجباری است که پیشنهاد شده و مترصد تسریع تصویب آن در مجلس شورای ملی است. ریاست عالیہ کل قشون.



۱۱۰۲

۴۴۴۴

۱۳۰۴

M. 76

۱۳۰۴

۱۳۰۴

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمبره کتاب	۹۹	عدد کلمات	۳۰۰	تاریخ اصل	۹	توضیحات	نام و نام خانوادگی	تاریخ و محل	اسم گیرنده
از	نمبره قبض								
به	نمبره تلگراف								

کلمه سربازگیری در لغت معنی کسی است که در راه خدا جان و مال خود را فدا کند و در راه خدا کشته شود. این کلمه در فرهنگ ما دارای بار معنایی مثبت است و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند اطلاق می‌گردد. سربازگیری در نظام ما به معنی سربازان را از میان اقشار مختلف جامعه انتخاب و تربیت و اعزام به جبهه است. این کار با هدف تقویت روحیه ایثار و شهادت در سربازان انجام می‌گیرد. سربازگیری در نظام ما با توجه به شرایط و مقتضات هر دوره تاریخی صورت می‌گیرد. در دوره معاصر، سربازگیری با استفاده از روش‌های علمی و فنی انجام می‌گیرد و سربازان را از میان جوانان با استعداد و توانمند انتخاب می‌کند. سربازگیری در نظام ما به گونه‌ای است که سربازان را از میان اقشار مختلف جامعه انتخاب می‌کند و به آنها آموزش و تربیت می‌دهد تا بتوانند در جبهه ایستادگی کنند و در راه خدا کشته شوند. سربازگیری در نظام ما به گونه‌ای است که سربازان را از میان اقشار مختلف جامعه انتخاب می‌کند و به آنها آموزش و تربیت می‌دهد تا بتوانند در جبهه ایستادگی کنند و در راه خدا کشته شوند.

۱۳۰۴

پیام بهارستان / ۳، ۳، ۳، ش ۱۲ / تابستان ۱۳۹۰

۱۶۴

۱۹ شهریور ۱۳۰۴

اداره تلگرافی دولت عالیهاپیم افاندرستان

نمبره کتاب ۱۳۰۴

از پست	نمبره قبض	معد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
ط ۴	نمبره تلگراف	۲۱۰	۲۶		۲۹	

اطلاقاً رد می‌شود و محکم آن مقام رفیع وزارت عدلیه منتخب درایت و زراره و آس آنست که محترم سرکار را
 عارضه ای که در کارنامه عرض حال با سایر بارها و کتب بی‌سابقه آورده از لحاظ بر این است بر وجه اول کلام از اول
 سزا ز منجمه نقطه‌ها را آن محترم بر عدلیه و در تمام است ترک علقه در تمام غنیمت در تمام از فتنه که در عدلیه
 بر داشته با کفایت زنی و کج تغییر در کشته بگویم همواره در فتنه که با هم دست از سر این کشته عطفی که زنده
 و در کوهها هم مایل زده ما را کهم گذاریم مجبور از عدلیه خواهیم بود آس او بی لبود هم بگویم بگریزی در عدلیه
 در عدلیه که مکتب خود خاسته نمود در ضروریه که هم عطفی بود در این روزگار بیاد است بگویم از سر و دست
 و نهی حسن علقه من از در عدلیه که هم در فتنه که با هم در فتنه که با هم در فتنه که با هم در فتنه که با هم
 عید که هم از زنده عدلیه در تمام از فتنه که با هم در فتنه که با هم در فتنه که با هم در فتنه که با هم در فتنه که با هم

شکرا

۱۳۰۴

۱ - ۱۰۰

پیام بهارستان / ش ۳، س ۲، ۱۱۲ / تابستان ۱۳۹۰

۱۳۰۵
۱۳۰۴

حجت‌المسلمین شرفی علی شاداد الکنه

حکامان اهل بی‌کس که در بیخ راهی سرباز و دلاور هم نشسته اند و در علم سرباز
تغزیر می‌کنند و بعد از آن دست در پیش روی شش‌تومان حقوق سربازان دولت
بجای حقوق سربازان دولت و عموماً از دست قشر پستی و دلاورانه که شمشیر بر
حقوق سربازان دولت جیب می‌زنند و به بهانه‌های غلط و غیره سعی می‌کنند تا
نتیجه برکت نماید و از عرصه مطالب مردم عطف بر حقوق خود بگذرد و دست
از حقوق سربازان دولت بردارد و با استفاده از نفوذ و ارتباطات خود سعی می‌کند
و بعد از همه اینها دست از با کسب و کسب مردم بردارد (حکامان اهل بی‌کس)

عراق
۱۳۰۴/۱۰/۵

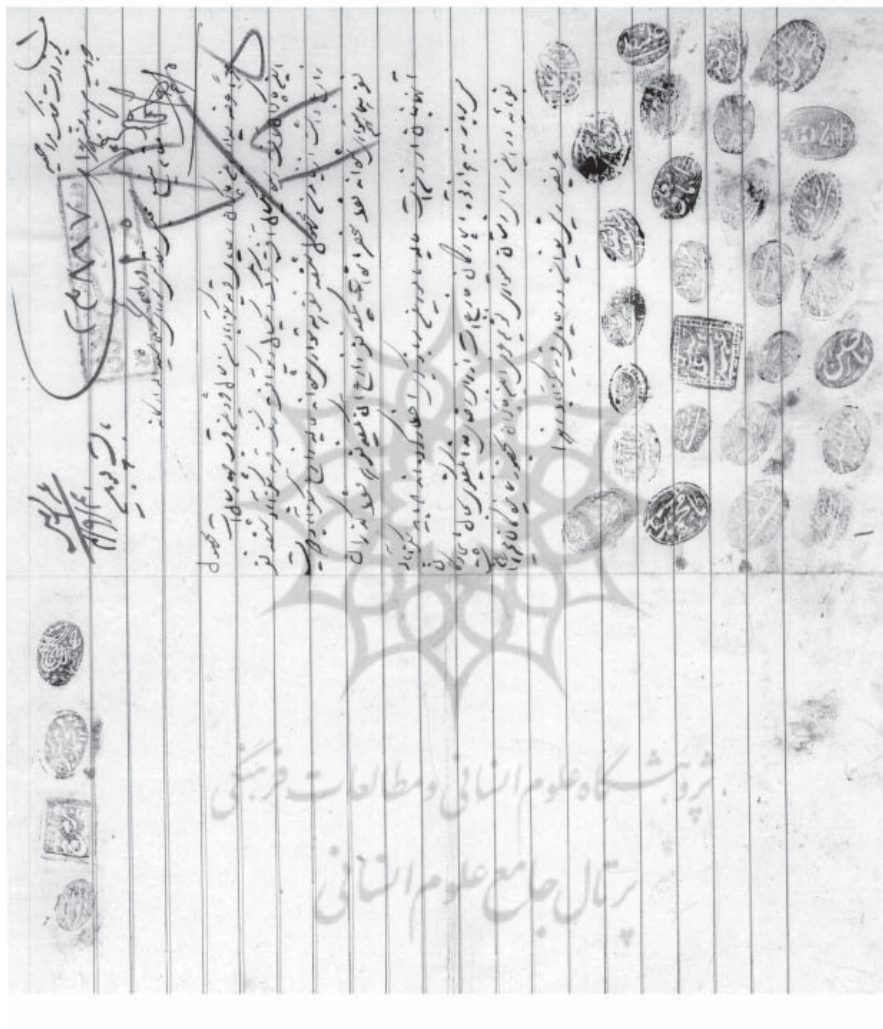
۱۳۰۵

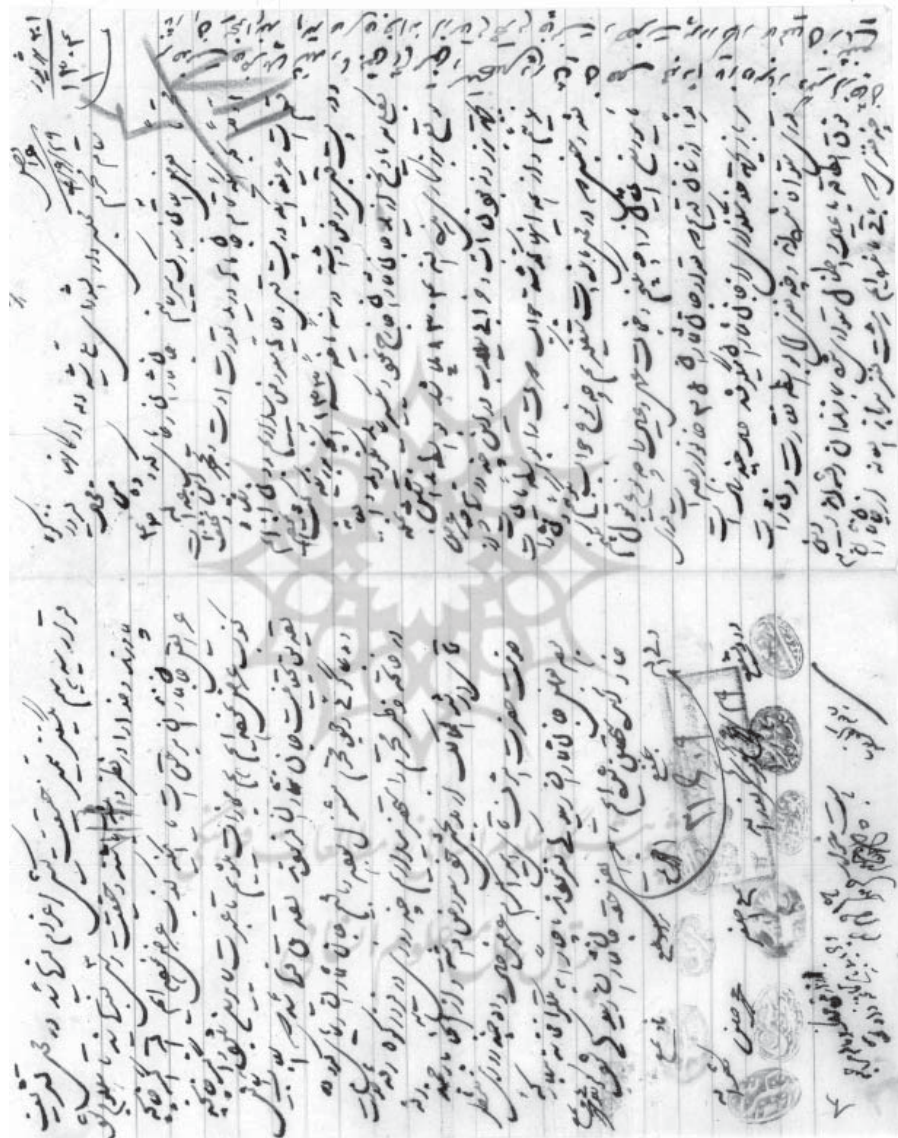
بسم الله الرحمن الرحیم
تاریخ: ۱۳۰۵/۱۰/۵
مکان: تهران



۵۸۴۷
۱۳۰۴/۱۰/۵

۱۳۰۴/۱۰/۵



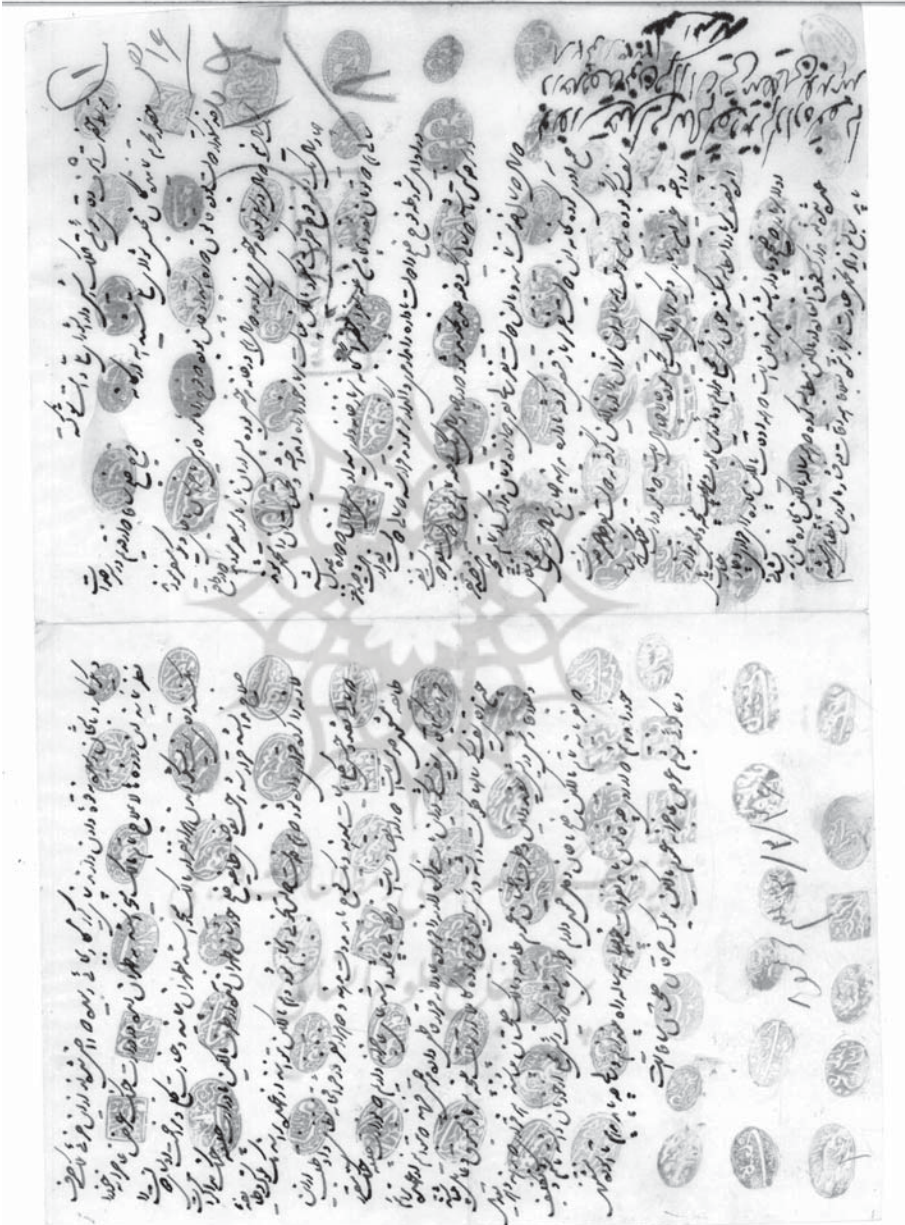


۱۳۹۰/۰۲/۲۳
 مقامات محترم هیئت ملی دادخواهان شهید ارگانه

با عرض سلام و احترام،
 بدینوسیله به استحضار می‌رسانم که در خصوص سربازگیری غیرقانونی و سلب آزادی از شهید ارگانه و خانواده آن، خواهشمند است اقدامات لازم را جهت احقاقک حقیقت و بازگرداندن آزادی و حقوق شهید ارگانه و خانواده آن به عمل آورید. بدین جهت خواهشمند است دستور فرمایید تا کلیه مدارک و اسناد موجود در خصوص سربازگیری غیرقانونی و سلب آزادی از شهید ارگانه و خانواده آن، در اختیار هیئت ملی دادخواهان شهید ارگانه قرار گیرد. همچنین خواهشمند است دستور فرمایید تا کلیه اسناد و مدارک موجود در خصوص سربازگیری غیرقانونی و سلب آزادی از شهید ارگانه و خانواده آن، در اختیار هیئت ملی دادخواهان شهید ارگانه قرار گیرد. بدین جهت خواهشمند است دستور فرمایید تا کلیه مدارک و اسناد موجود در خصوص سربازگیری غیرقانونی و سلب آزادی از شهید ارگانه و خانواده آن، در اختیار هیئت ملی دادخواهان شهید ارگانه قرار گیرد.

با تشکر و احترام
 فاطمه هاشمی





۶ شوال ۱۳۹۰

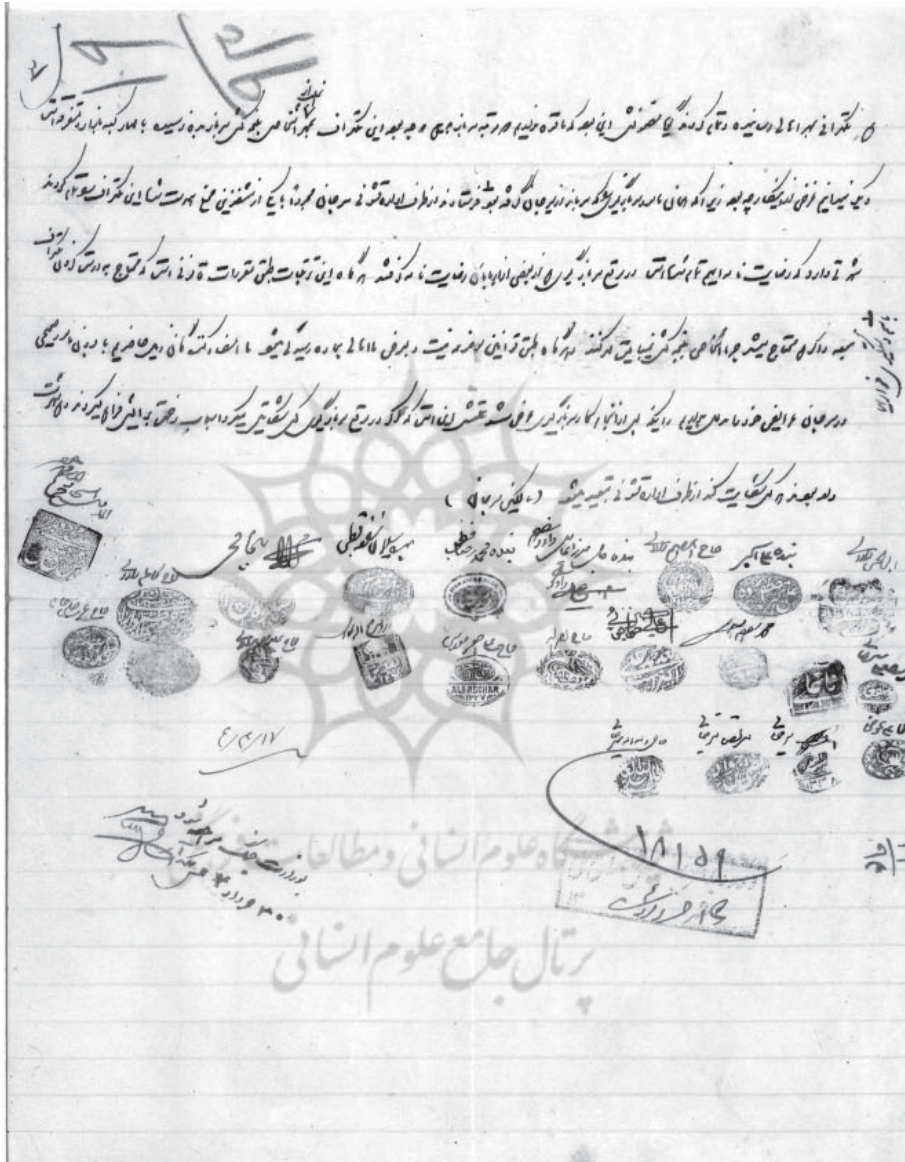
بسم الله الرحمن الرحیم
و الحمد لله رب العالمین

ساحت ترمیم سربازگیری تا شیدانه ارگان

درباره انتشار فاطمه بک آن نودات مهم شرح سربازگیری در میان اقشار مختلف و در هر صورت تغییر از طرف اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی

سربازگیری فرستاده شده و در هر یک از سربازگیری ها هم به آن به هم دارد که از این جهت که در خدمت سربازگیری ارگانها جدا کرده و هم نیست هیچ کس
 و خدمت سربازگیری جدا از خدمت سربازگیری در هر یک از سربازگیری ها هم به آن به هم دارد که از این جهت که در خدمت سربازگیری ارگانها جدا کرده و هم نیست هیچ کس
 لیکن ما در هر یک از سربازگیری ها هم به آن به هم دارد که از این جهت که در خدمت سربازگیری ارگانها جدا کرده و هم نیست هیچ کس
 نمود و در هر یک از سربازگیری ها هم به آن به هم دارد که از این جهت که در خدمت سربازگیری ارگانها جدا کرده و هم نیست هیچ کس
 یکدیگر به هم دارد که از این جهت که در خدمت سربازگیری ارگانها جدا کرده و هم نیست هیچ کس
 همه آن را بر سر می آورند و آن به هم دارد که از این جهت که در خدمت سربازگیری ارگانها جدا کرده و هم نیست هیچ کس
 از آنجا که در هر یک از سربازگیری ها هم به آن به هم دارد که از این جهت که در خدمت سربازگیری ارگانها جدا کرده و هم نیست هیچ کس
 از طرف اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی که در هر یک از سربازگیری ها هم به آن به هم دارد که از این جهت که در خدمت سربازگیری ارگانها جدا کرده و هم نیست هیچ کس
 که در هر یک از سربازگیری ها هم به آن به هم دارد که از این جهت که در خدمت سربازگیری ارگانها جدا کرده و هم نیست هیچ کس
 در هر یک از سربازگیری ها هم به آن به هم دارد که از این جهت که در خدمت سربازگیری ارگانها جدا کرده و هم نیست هیچ کس
 اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی که در هر یک از سربازگیری ها هم به آن به هم دارد که از این جهت که در خدمت سربازگیری ارگانها جدا کرده و هم نیست هیچ کس

اینجور که در هر یک از سربازگیری ها هم به آن به هم دارد که از این جهت که در خدمت سربازگیری ارگانها جدا کرده و هم نیست هیچ کس



۱۳۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران


شماره کتاب ۲۰۲

تاریخ وصول	تاریخ ارجاع	توضیحات	تاریخ اصل	عدد کلمات	ب. ۴۰	نمبره قبض	نمبره تلگراف
۶/۱۵		۱	۱۶	۴۱۲	۱۲۸		

۹


کوه رضوانی که در آن سربازان عراقی ...
 ریاست و زراعت و نظام ...
 و آن سربازان که در آن سربازان ...
 و عادت الیاد و تردد عراقی ...
 که در آن سربازان که در آن سربازان ...
 در این ولایت که در آن سربازان ...
 بعد از این سربازان که در آن سربازان ...
 و عادت الیاد و تردد عراقی ...
 و عادت الیاد و تردد عراقی ...

پیام بهارستان / ۳، ۳، ش ۱۱۲ / تابستان ۱۳۹۰

 اداره تلگرافی دولت علیه ایران		۱۳۰ شماره کتاب _____
تاریخ وصول امم گیرنده	توضیحات مهر	به از شماره قبض شماره تلگراف ۱۳۸
۱۳۰		

از سر پیوسته سرپازگیری است و عمده از نمونه هر قسم تورات کتب جمع و متعلق
 است به سید ملک بدینا، سرپاز ایران است و همه نسخه اطلاع عراق و غیره که در آن
 کتبات سرپاز را ضبط کرده است و کتب آثر تورات سرپاز را از هر یک کتب و کتبات
 لغیر آن تورات کتب که آن تورات هم سرپاز را از کتب و کتب و کتب آن
 با نظرف در این کتبات و کتبات که در این کتب و کتب و کتب با دادن سرپاز
 و کتبات کتب که در این کتب و کتب و کتب که در این کتب و کتب و کتب
 کتبات کتبات که در این کتب و کتب و کتب که در این کتب و کتب و کتب
 و کتبات کتبات که در این کتب و کتب و کتب که در این کتب و کتب و کتب
 کتبات کتبات که در این کتب و کتب و کتب که در این کتب و کتب و کتب
 کتبات کتبات که در این کتب و کتب و کتب که در این کتب و کتب و کتب

۱۰

 اداره تلگرافی دولت علیه ایران		شماره کتاب: ۱۲
ماه ۱۳۰		شماره ثبت: ۱۳۵
تاریخ وصول:	توضیحات:	نمره قبضه:
امم گیرنده:	همنام ۳	نمره تلگراف:

هیئت عالی مقام و سرپرست و اولاد و از آن خرد از طبع و علم و آفاق
 اهرام و غیره که در این سرپرست و اولاد و از آن خرد از طبع و علم و آفاق
 آفاق و غیره

بسم الله الرحمن الرحیم
 این نامه در روز ۱۳۰۰ / ۱۲ / ۱۳۰۰
 از طرف ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...

۱۱

پیام بهارستان / س. ۳، ش. ۱۱۲ / تابستان ۱۳۹۰

۹ ن ۵

بتاریخ ۱۵ بیج سنه ۱۳۰۲
نمونه ۱۸۲۲۲ / ۸۲۱۹
ضمیمه



وزارت مالیه

اداره محاسبات

دایره حسابداری

رئیس محترم مجلس شورای ملی

فناوری
در جواب تقاضای شماره ۵۷۰۱ اول از تصرف ثبات مملکت عراق راجع به زمین
سرباز و ثبت کند و در محترم را متعجب نماید موضوع فوارس سرباز و عرض میدیست
۱۷۴ / ۱۷۴ : ناله تحمیر شریک از قیام اوقات در سرباز و سرباز نیست با لکن خبر بیفاد است همین فواید
میدادند و این عوارض غیر از تدارک و تفرضا که پیشتر در محترم مقرر شد و لکن در برابر
در سنوات چند وقت تصحیح نمود برابر نظام حقوقات افراد شرفین همان عوارض
فناوری تدمیر مستحقا بگرد حقوق افراد سرباز را نیز مستحقا تا دیگر مردان
در کله شاکت محترم و محترم است ثبات ممالک عراق بر حسب تدارک
در باب ثبت کند نیز فرزند گان می باشد گندم خود را پاک کرده
نوده و نتایج بجای مکتوبه و توجیه نماید و در بقیه احوال ناله صادر گردیده است

مهم‌ترین

۱۷۴ / ۱۷۴

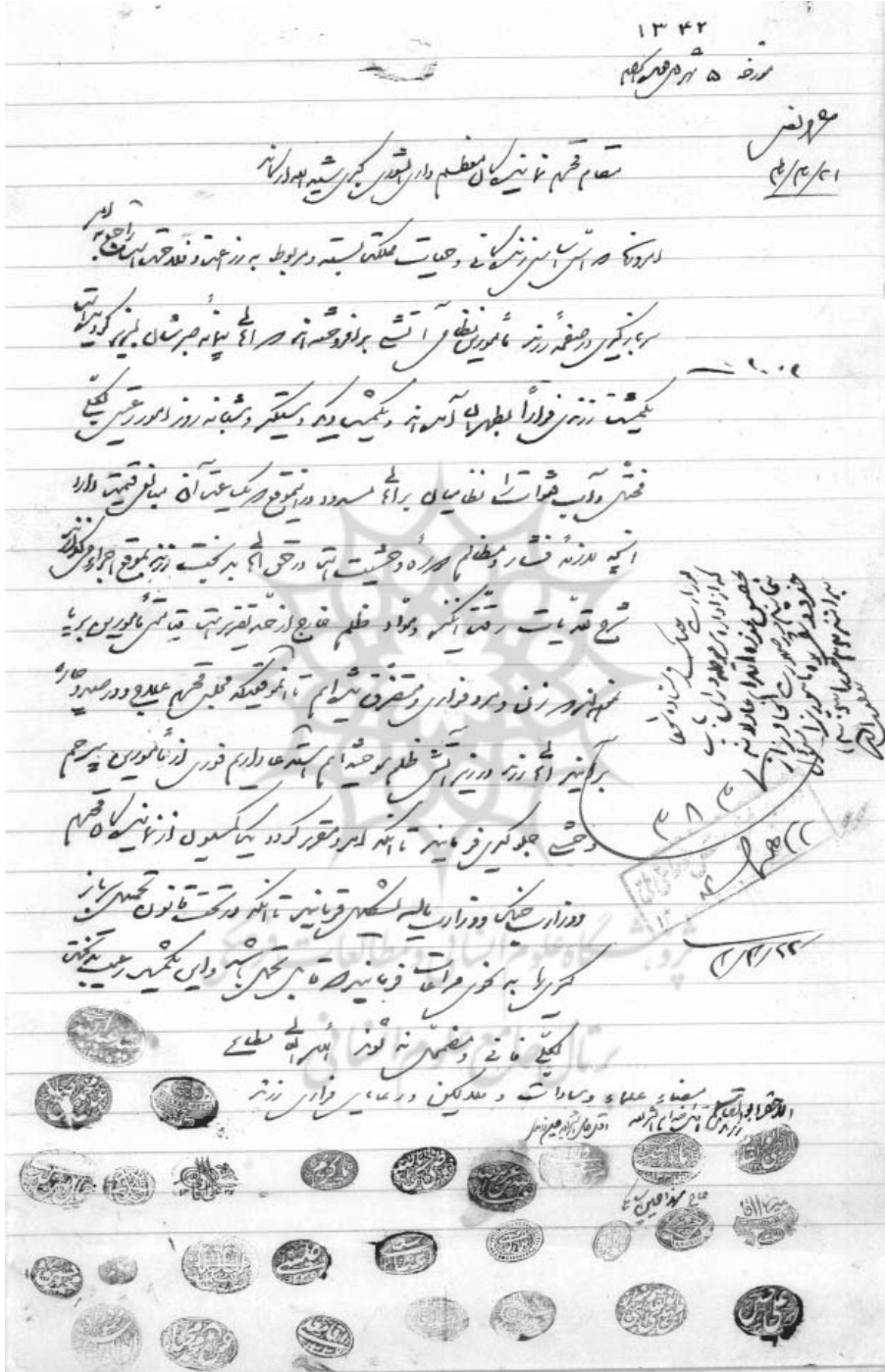
۱۷۴ / ۱۷۴

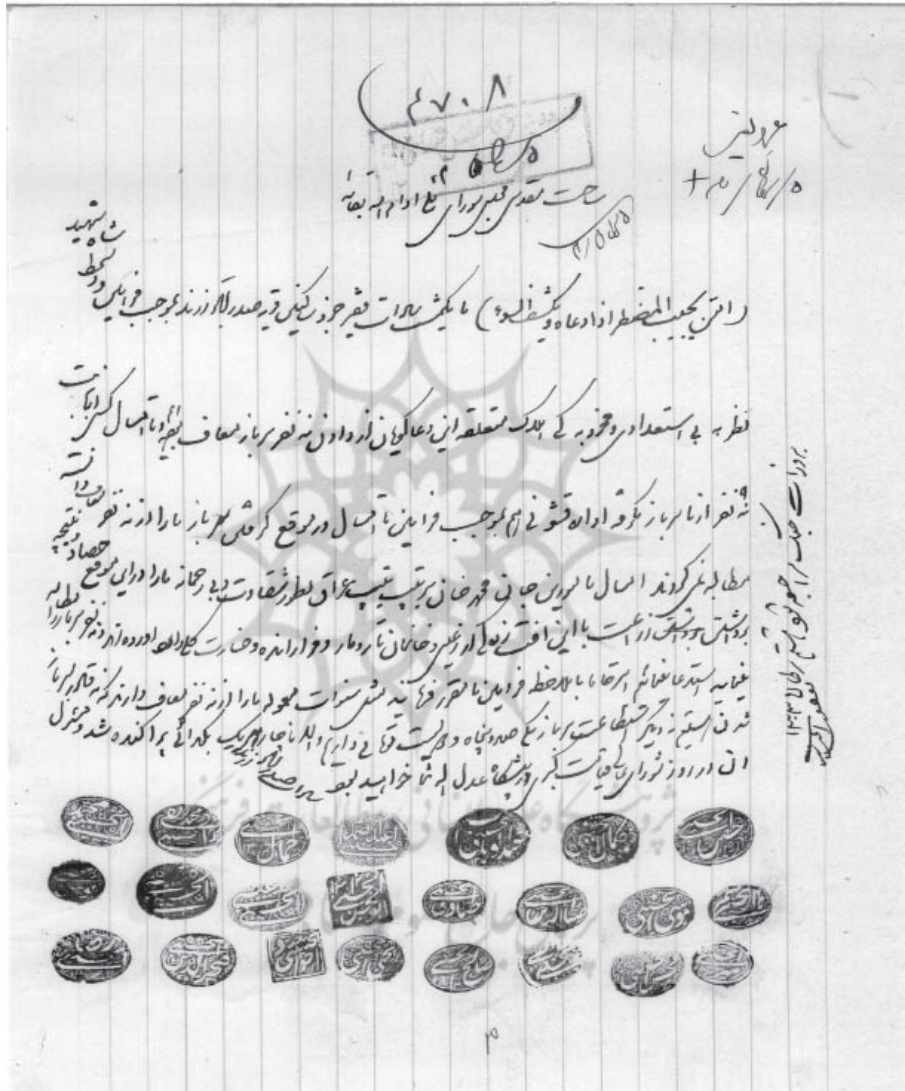
باسم باری تعالی
وزارت مالیه
دایره حسابداری

تال جامع علوم انسانی
۷۶۶۴
شماره ۱۳

۲۴


۲







نودله نمبر ۱۶



اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمبره کتاب: _____

سنه ۱۳۰ _____

ازشک	نمبره قبض	۱۵۵۱	عدد کلمات	۲۹۱	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
بهره	نمبره تلگراف	۸۰	۲۳	۲۳				

مقام منبع وزارت حمل و نقل و پست

دولت علیه اجراء چاکر از از نرسیده جزو خراسان نوزاد گروی بمیان گورد و کوش و دو و اوله و فارغ از خدمت خاصه
 نمود سالیانه بمشاوره پنجاه گندم از اصل دولت از انبار دولت بمیزان خانوار چاکران مرحمت نموده و بریزان توجیه
 معانه را حرکت میدادند می چغندر ما در شیمی فرجه نمون در در شربت است می نوزاد از اجراء چاکران تعیین و سرباز خردی
 حاضر نموده هر از هر سال از در هر شربت دولت علیه چاکر از اسعاف و خانوار سرباز چکرت فرمودند چون لغت
 و آب و ملک در زمان درام فقط عاشره بهار سالیانه پنجاه خانوار بود پس از ضبط دولت عده از چاکران با طراف
 نمون کورای و بعضی ساکن بدلت عاشره بنیامی کوزن سبب در کسفت عده چاکر از اجراء فرمودند با کورای
 اطاعت از فرموده حاضریم کشته عاشره سربازانید خانوار چاکران از انبار در کسفت فرسیده عاشره عاشره
 خود را مرتب نموده بر سر کسفت سالیانه چاکر از اجراء در پراوش خانوار نوزاد عاشره اطفال چاکران
 از کسفت لغت نموده چاکر از اجراء حرکت الی اطفال درام الیه حرکت شرف نظر بر وقت کورای راضی
 نخواهند شد بر زمین یک شربت عاشره اطفال چاکران کشته و سرافقت نموده اند سربازان را مخصوص
 درام بنیامی کوزن ساکن نمون الیه عاشره اولیام فرجه عاشره کسفت فرسیده عاشره عاشره

پیام بهارستان / د. ۳، ش. ۱۲ / تابستان ۱۳۹۰

